



نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

اکتبر ۲۸۰

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۲ مه ۲۰۲۱



اطلاعیه خبری کمیته کردستان حزب

کمونیست کارگری - حکمتیست

در رابطه با برگزاری روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان!

امروز شنبه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر در چند شهر کردستان از جمله سنندج، مریوان، سروآباد و بانه مراسم گرامی داشت این روز و اعلام همبستگی طبقاتی کارگران برگزار شد.

همزمان در شهرهای تبریز، خرم‌آباد، مشهد، کرج، اراک، کرمانشاه، تهران، شوش، رشت، اصفهان، سارس، قزوین، نیشابور و در شرکت نیشکر هفت تپه و شرکت اتوبوسرانی واحد هم کارگران و بازنشستگان تجمعاتی به این مناسبت برگزار کردند. شرکت کنندگان و کارگران با سر دادن شعار مرگ بر ستمگر درود بر کارگر، کارگر معلم اتحاد اتحاد، دشمن کارگران دولت غارتگران، فقط کف خیابون به دست میاد حقمون و همچنین سخنرانی در رابطه با اول مه و تاریخچه این روز تجمعاتی برگزار شد.

در سنندج کارگرانی که برای گرامی داشت روز کارگر در شهرک صنعتی عباس آباد تجمع کرده بودند با حمل پلاکارد زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفتند و تعدادی از شرکت کنندگان از جمله شیث امانی و هوشنگ کریمی از فعالین کارگری دستگیر شدند. همزمان با این

صفحه ۳ **مضحکه انتخابات رژیم اسلامی را در کردستان رسوا کنیم!**
همایون گدازگر

صفحه ۵ **اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست:**
در محکومیت حملات ارتش ترکیه به منطقه قنبدیل کردستان عراق

صفحه ۶ **”آزادی، برابری، رفاه“ یا ریش، قمه و قداره؟**
سیوان کریمی

صفحه ۷ **اکتبر می پرسد: در مورد اعتراضات کارگری در کردستان**
(گفتگو با رضا کمانگر)

صفحه ۱۰ **موج سوم کرونا و تامین معیشت و واکسن رایگان**
سعید یگانه

صفحه ۱۲ **طبقه کارگر باید خود را صاحب جامعه بداند**
ابراهیم باتمانی

صفحه ۱۳ **راه‌های مبارزه با پدیده قتل زنان**
(در حاشیه اخبار قتل زنان در کردستان عراق)
هلاله طاهری

صفحه ۱۵ **گرمای رقص و یخ اسلامی‌ها**
سیوان کریمی

صفحه ۱۷ **اطلاعیه شماره ۱ و ۲ کمیته کردستان حزب حکمتیست**
در رابطه با حمله افراد سلفی و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به محله دارسیران در مریوان

صفحه ۱۸ **اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست**
مرگ ۷ تن در دو روز بر اثر تصادف در جاده مریوان-سروآباد

استیصال طبقه حاکم ندارد. طبقه کارگر پاسخ این سرکوب را با اتحاد و اعتراض طبقاتی خود خواهد داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ۱۱ اردیبهشت

سقز گردهمایی های دیگری در گرامیداشت روز جهانی کارگر با سخنرانی و نصب تراکت و پلاکارد زنده باد اول مه روز جهانی کارگر برگزار گردید. در روز کارگر از هفت تپه تا تهران، از سنندج تا سروآباد و از بانه تا اصفهان و اراک طبقه کارگر این خالقان ثروت و نعمات جامعه در اعتراض به سیستم سرپا استثمار سرمایه داری که کارگران را از دسترسی به رفاهیات و نعمات حاصل از کار خود محروم کرده به خیابانها آمدند تا خشم و نفرت خود را علیه نظم موجود به سران و حافظان سرمایه اعلام کنند و همزمان همبستگی طبقاتی خود را در تمام شهرها به نمایش بگذارند.

تجمع مقابل وزارت کار در تهران هم با حمله نیروهای امنیتی و دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان از جمله عسل محمدی، هیراد پیربدانی و سعید ملایری همراه بود. سرکوب تجمعات روز جهانی کارگر از سنندج تا تهران و بقیه شهرها پیامی جز ترس و

مراسم از طرف تعدادی از فعالین کارگری و اجتماعی راهپیمایی با سر دادن شعار زنده باد اول مه، کارگر دانشجو اتحاد- اتحاد هم برگزار شد.

در مریوان تجمعی توسط جمعی از اعضای سندیکای کارگران فصلی و ساختمانی شهرستان، انجمن بازنشستگان تامین اجتماعی و انجمن صنفی معلمان مریوان و سروآباد در پارک شانو برگزار شد. در این گردهمایی بیانیه روز کارگر از طرف یکی از اعضای انجمن صنفی کارگران ساختمانی قرائت شد. همزمان با برگزاری تجمعات و راهپیمایی اول ماه مه در شهرهای کردستان مراسمی هم در روستای هانیس در نزدیکی شهر سنندج برگزار شد. حاضرین در این مراسم با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون اداره شورایی، زنده باد اول مه، زنده باد روز جهانی کارگر در رابطه با دستمزدهای زیر خط فقر و افزایش ساعت کار به بحث و گفتگو پرداختند. در شهر بانه نیز شرکت کنندگان در تجمع روز کارگر با



پخش شیرینی و سخنرانی این روز را گرامی داشتند. در بیشترین تجمعات قطعنامه ها و بیانیه های کارگری که حاوی خواسته ها و مطالبات کارگران بود توسط شرکت کنندگان خوانده شد.

همچنین در روزهای هشتم و نهم اردیبهشت هم در شهرهای کامیاران و

مضحکه انتخابات رژیم اسلامی را در

کردستان رسوا کنیم



ارائه می دهند .

در چنین شرایطی انتخابات پیش رو بقول خودشان حکم يك فراندوم را برایشان دارد . اما مردم تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در این سالها و بخصوص در دیماه ۹۷ و آبان ۹۸ حکم فراندوم خود را اعلام کردند . کارگران ، معلم و بازنشسته و کارگر شهرداری و کارگر بیکار به تعداد روزهای سال مشغول تکرار وادامه آبان و اعلام عدم مشروعیت جمهوری اسلامی هستند . به همین دلیل ترس رژیم اسلامی از مضحکه خرداد ۱۴۰۰ بی پایه نیست .

مضحکه انتخابات رژیم اسلامی در کردستان در طول عمر جمهوری اسلامی منزوی و مترود بوده است . با وجود خیل مزدوران محلی مسلح و روشنفکران وفادار به جمهوری اسلامی که جانانه در رکاب سرکوبگران به تبلیغ و ترویج و تشویق می پردازند ، اما در کردستان هیچوقت تنور این مضحکه گرم نشد . حتی دوره هایی که احزاب ناسیونالیسم اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم مردم را به شرکت ترغیب کردند ، اقلیتی که در این نمایش ها حضور داشتند اساسا خیل جیره خوران خود رژیم یا متوهمین ناآگاه از سرنوشت خود و جامعه بودند .

اما این دوره بخصوص باید این مضحکه در کردستان به تمامی شکست بخورد . نباید هیچ کاندید و دارودسته تبلیغات انتخاباتی آنها به آسانی فرصت خیمه شب بازی در کردستان را داشته باشند . این

و نیرنگ توانسته است از این مضحکه عبور کند ، اما انتخابات پیش رو برای رژیم به مصاف و کابوسی جدی تبدیل شده است . هیچ زمانی جمهوری اسلامی با همه جناحها و شخصیت های به اصطلاح اپوزیسیون مجاز او ، به اندازه امروز مورد تنفر مردم بجان آمده نبوده است . آن بخش از مردم جامعه که زندگی خود را سالهای متمادی با توهم به بهبود و اصلاح رژیم و گشوده شدن دریچه ای بر رفاه و امنیت خود تباہ کردند ، امروز در یافته اند برای باز شدن هر دریچه امیدی ، ابتدا جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند .

رهبری جمهوری اسلامی در برابر کابوس سرنگونی در تشتت و تفرقه بی سابقه بسر می برد . اختلاس و فساد در بالاترین سطح ، افلاس اقتصادی که نتیجه آن فقر و فلاکت و دهن کجی به کرامت دهها میلیون انسان است ، اعتباری برای رژیم اسلامی باقی نگذاشته است . سرنگونی رژیم دیگر رازمگو و عبارتی ممنوعه خاص اپوزیسیون نیست . حتی صفی از معماران اولیه جمهوری اسلامی ، علنا در میدیای داخلی و خارجی در مورد چگونگی بوقوع پیوستن آن بحث می کنند و تحلیل

ما کمونیستها همیشه گفته ایم چیزی که جمهوری اسلامی چهار دهه است تحت نام انتخابات با آن جامعه را به انقیاد کشانده است ، چیزی جز يك مضحکه و فریبکاری شیادانه بیش نیست . علاوه بر فیلتر کردن نامزدها و در واقع آزاد نبودن این خیمه شب بازی که حتی با نرمهای جا افتاده انتخابات در دیگر جوامع بورژوایی هم هیچ قرابتی ندارد ، مسئله اصلی این است که سرف برپایی جمهوری اسلامی بر روی سر جامعه ، با خواست و امیال و توقع میلیونها نفر انسان در تناقض و تضاد است . این واقعیت را لحظه به لحظه زندگی مشقت بار تحت حاکمیت این رژیم سرکوبگر بما می گوید . چهل سال است این مضحکه بوسیله جمهوری اسلامی تکرار می شود ولی جامعه پس از هر "انتخابی" بیشتر در مشقت و بد بختی فرومی رود . بهمین دلیل ساده امروز جامعه ایران و بخصوص کارگران و مردم زحمتکش بدرست تشخیص داده اند که انتخاب اصلی برداشتن مانع اصلی یعنی خود جمهوری اسلامی است .

در حال حاضر ماشین حاکمیت جمهوری اسلامی از هر زمان دیگری ناکارآمدتر و از نظر مردم بی اعتبارتر است . گرچه جمهوری اسلامی در انتخابات گذشته هم با هزار تقلب

دارند و مبتکر و جلو دار آن هستند ، برای گرم کردن تنور بی رونق انتخابات است . می خواهند به مردم بگویند بشرطی در انتخابات شرکت می کنیم که رئیس جمهور آینده در حق کردها دیگر بدقولی نکند . و به این ترتیب تلاش دارند جمعی را به پای این مضحکه بکشانند . اکنون دیگر برای عموم جامعه روشن شده است که هر قول و قراری از طرف هر

انتخابات بی انتخابات
انتخاب ما سرنگونی جمهوری اسلامی
است
همایون گدازگر
۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

کاندیدای انتخابات يك دروغ تکراری و يك سیاست عوامفريبانه است که ۴۰ سال است تحویل مردم داده می شود . تا رژیم جمهوری اسلامی بر پاست قانون و حقوق شهروندی و طرح ۱۰ ماده ای و قول قرارهای از این قبیل کشک است . قانون اساسی در جمهوری اسلامی نه در کتاب و منشور حق شهروندی و طرح ولایحه و غیره ، بلکه در خیابان و محل کار و زندگی علیه مردم کارگر و زحمتکش نوشته و جاری می شود . قانون اساسی جمهوری اسلامی ، سرکوب خفقان و زندان مخالفین ، به شلاق بستن کارگران و تیر زدن به

کاندیداهای بی آبرو اگر کتک کاری بشوند حق خودشان را گرفته اند . پوسترو بنر و اوراق تبلیغی اشان باید روی هیچ دیواری بر جای نماند . شرکت بهر شیوه ای در این مضحکه کمک مستقیم به ماندگاری رژیم و در واقع ایستادن در مقابل سیل خروشان تنفر و اعتراض جامعه ایران علیه جمهوری اسلامی است . پشتیبانی است از بگیر و بند و زندانی کردن فعالین توسط رژیم و بازگذاشتن دست رژیم در کشتن کولبر و بی نان و آب کردن دستفروش به کنار خیابانها رانده شده . کسانی که هنوز گول تبلیغات دروغین کاندیداهای را در باره رسیدگی به وضع ویران زندگی و معیشت مردم می خورند ، اگر نان خور جمهوری اسلامی نباشند ، پخمه هایی هستند که قول و قرارهای تو خالی روحانی شیاد را از یاد برده اند .

دو هفته قبل عده ای تحت نام ” اهل سنت ” در نامه ای علیه بدقولی های روحانی در باب قول و قرارهایش در مورد کردستان از او شکایت کردند . انگار جمهوری اسلامی فقط از زبان این مسئول جنایتکارش دروغ و فریبکاری تحویل مردم داده است . از نظر نامه اهل سنت ، اصلا مشکل جمهوری اسلامی نیست ، بلکه بدقولی امثال روحانی است !

باید هوشیار بود . نوشتن چنین ” شکایت نامه ” هایی در این مقطع که افرادی از قبیل نمایندگان سابق مجلس که خود سر در آخور رژیم



اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در محکومیت حملات ارتش ترکیه به منطقه قندیل کردستان عراق

ارتش ترکیه از روز ۲۳ آوریل حملات جنایتکارانه ای را به منطقه قندیل در کردستان عراق، نقاطی که نیروهای پ.ک.ک در آنجا مستقر هستند را آغاز کرده است.

ترکیه طی این حملات گسترده که با هواپیما و هلیکوپترهای جنگی و نیروی پیاده نظام صورت گرفته، ۹ کیلومتر دیگر از خاک کردستان عراق را اشغال و در سه نقطه جدید مستقر شده است. طبق اخبارمنتشر شده هم اکنون جنگ شدت بین ارتش ترکیه و گریلاهای پ.ک.ک ادامه دارد. در این جنگ طبق روال همه جنگهای دیگر، مردم بیدفاع منطقه قربانی این جنگ و آتش افروزی میشوند. انسانهای بیگناهی که خانه و کاشانه شان مورد بمباران و اصابت توپ و خمپاره قرار میگیرد و نهایتاً آوارگی و بی سرپناهی سهم این مردم محروم و بی پناه است.

حمله ترکیه به نیروهای مستقر در قندیل همزمان است با تعیین مجدد جایزه دوازده میلیون دلاری دولت آمریکا برای شناسایی و پیدا کردن محل استقرار سه تن از رهبران پ.ک.ک و مسلماً بدون چراغ سبز از طرف آمریکا این حملات و جنگ افروزی نیروهای نظامی ترکیه صورت نگرفته است.

آنچه در این میان قابل توجه است، سکوت دولت عراق و حکومت اقلیم کردستان و همچنین احزاب اسلامی در مقابل این تجاوزگری آشکار است. اما این تنها دولت عراق و حکومت اقلیم و احزاب اسلامی نیستند که ساکت و نظاره گرند، جریانات ناسیونالیست متشکل در "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" هم که در کردستان عراق مستقر هستند، تنها به دلیل رقابتهای حزبی و جناحی با پ.ک.ک، در مقابل این جنایت آشکار، سکوت کرده و هیچ اعتراضی از جانب آنان هم صورت نگرفته است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این حمله جنایتکارانه ارتش ترکیه به کردستان عراق را محکوم میکند و از همه نیروهای ازاد یخواه میخواهد این تعرض و قلدری ارتش ترکیه را محکوم نمایند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۲۷ آوریل ۲۰۲۱

“آزادی، برابری، رفاه” یا ریش، قمه و قداره؟

نوارها اقدام می‌کنند. نقش احزاب اپوزیسیون احزاب اپوزیسیون رژیم اسلامی در این سالها، بارها و بارها علیه این سم ارتجاعی در کردستان سخن گفته و آنها را افشا کرده‌اند. در مورد نقش مخرب این جریانات هر آنچه که در توان داشته‌اند، بکار بستند تا بتوانند به جامعه بگویند با چه ارتجاعی روبرو هستیم. احزاب ناسیونالیست در کردستان مانند حزب دموکرات‌ها با چنین پدیده‌ای مشکل ندارند و آن را بخشی از جامعه قلمداد می‌کنند. حزب دموکرات کردستان در دوره‌ای به دنبال ایجاد اتحادیه آخوندها بود و تلاش داشت تا این مرتجعین را به زیر عباى خود ببرد. امروز هم هیچ نقدی، به هیچ شاخه‌ای از اسلام ندارند و پذیرفته‌اند که جامعه کردستان اسلامی است. اما واقعیت اینطور نیست. به قول یکی از رهبران‌شان این بار هم در گوش گاو خوابیده‌اند. احزاب دیروز چپ و کمونیست و امروز ناسیونالیست شده هم که سکوت را بهترین راه حل می‌دانند. شاید این سکوت از سر رضایت نباشد، اما چه معنی دیگری می‌تواند داشته باشد؟ آیا نمی‌توان گفت که ماهیت این احزاب به سمت نوعی دست در گردن بودن با این جریانات به پیش می‌رود.

مردم می‌وان

این شهر به‌خاطر مبارزاتی خود همیشه جایگاهی والا برای مبارزین علیه ارتجاع چه از نوع شاه چه رژیم اسلامی و چه

کار آمدن رژیم اسلامی و قدرت‌گیری اخوان‌المسلمین در کردستان عراق و منطقه اورامانات و دزدی در می‌وان به رهبری ملا کریکار، خود را به این ارتجاع نزدیک کردند و پایگاه‌های خود را سازمان دادند. جمهوری اسلامی از این تحرکات آگاه بود و بر تحرکات آنها مشرف بود. این اشراف را می‌توان در برگزاری مراسمات و مناسکات ارتجاعی‌شان، در برگزاری نمازهایشان در مساجدی که برای مردم شهر عیان بود و حتی در نحوه پوشش آنها قابل رصد بود. سکوت مطلق رژیم اسلامی در این بین و میدان دادن به این تحرکات نشان می‌دهد که نه تنها رژیم اسلامی از این تحرکات خوشحال است، بلکه یکی از راهپایی است که برای سنگربان بندی در مقابل هر نوع حرکت آزادیخواهانه مردم به کار می‌برد. امروز علاوه بر خود رژیم اسلامی، کمک‌های مالی از طرف دولتهای منطقه از جمله عربستان و بخشاً دولت اقلیم کردستان و احزاب اسلامی در این جغرافیا، برای این سنگربندی و ارتجاع سرازیر می‌شود. سالانه دهها جلد کتاب! و صدها فیلم و نوار در توجیه این ارتجاع چاپ و وارد کردستان می‌شود. امروز حتی این جریانات ارتجاعی به صورت علنی در کتابفروشی‌هایی که آن هم برای مردم مشخص است، به فروش این کتابها و

در روز جهانی کارگر، شهر می‌وان با برگزاری دو تجمع به استقبال آن رفت. تجمعاتی که با خواندن قطعنامه‌ای پرشور و پیشرو، بار دیگر نشان داد که پتانسیل مبارزاتی این شهر برای آزادی و برابری و رفاه کماکان در اوج وجود دارد و مبارزاتی که از سال ۵۷ شروع شد، نسلهای امروز و بویژه نسل جوان را، در این مسیر همراهی می‌کند. کوچ تاریخی می‌وان و خلع سلاح مقر سپاه پاسداران در ۲۳ تیر دو نمونه بارز از مبارزات مردم می‌وان در مقابل رژیم اسلامی و ارتجاع اسلامی بود. در همان روز، گروهی از مرتجعین اسلامی، با قمه و سلاح به مردم داسیران، محله‌ای در شمال شهر، حمله کردند و در دفاع از دینشان، به جز ایجاد رعب و وحشت، اقدام به تعرض کردند و به زخمی کردن یک شهروند با قمه پرداختند. ارتجاع اسلامی در می‌وان از همان روزهای اول توسط رژیم‌اسلامی سازمان و مورد حمایت قرار گرفت. در مقابل جنبش آزادیخواهی مردم، سازمان پیشمرگان مسلمان را ایجاد کردند و بویژه در می‌وان، به مکتب قرآن، که درست نقطه مقابل حرکت آزادیخواهانه مردم بود، میدان دادند و پایگاه‌هایی را برایشان ایجاد کردند. جنگ بین آزادی و ارتجاع بیش از چهار دهه است که در کردستان ادامه دارد. جریانات اسلامی پس از روی

اکتبر می‌پرسد:

در مورد اعتراضات کارگری در کردستان

گفتگوی اکتبر با رضا کمانگر



اکتبر:

در گرماگرم مبارزات سراسری طبقه کارگر، آیا تحرکات مبارزاتی در جنبش کارگری کردستان هم مشاهده می‌شود؟ می‌شود به نمونه‌هایی از آن اشاره کنید و در مورد خواست و مطالبات آن توضیحاتی بدهید؟

رضا کمانگر:

بگذارید قبل از جواب به سوال شما، از نظر خودم دو ویژگی اصلی جامعه کردستان را توضیح دهم.

ویژگی اول:

جامعه کردستان بدلیل شرایط سیاسی و نگاه امنیتی رژیم اسلامی به این منطقه، فاقد مراکز تولیدی عمده و کلیدی دربرگیرنده انبوه کارگران است. شرایط سیاسی و نگاه امنیتی باعث شده است از هردو طرف یعنی دولت و سرمایه‌داران بخش خصوصی دست به سرمایه‌گذاری کلان در کردستان نزنند. این واقعیت به معنی این نیست که در کردستان مناسبات کار و سرمایه وجود ندارد، برعکس در کردستان جدا از اینکه تضاد خشن بین کار و سرمایه وجود دارد بلکه طیف وسیعی از

کولبری که بیشتر در کردستان از مرز قصر شیرین تا نزدیک ارومیه رایج است و شاید گفت بیشترین جمعیت کارگران بیکار را در بر میگیرد بخش چشمگیری از کارگران کردستان را تشکیل می‌دهد. به صف بیکاران کردستان باید دستفروشان و کاسبکاران بی درآمد و بدون هیچ حمایت اجتماعی را افزود. آمار بیکاری در کردستان گسترده تر از آن چیزی است که نهاد های رژیم اسلامی به آن اشاره میکنند.

ویژگی دوم:

جامعه کردستان تحزب یافته است. طی ۴۳ سال گذشته مردم کردستان از نظر سیاسی و اجتماعی تسلیم سیاستهای رژیم اسلامی نشدند. مناسبات جامعه کردستان تابع مناسبات سرمایه‌داری در سراسر ایران است و تضاد اصلی بین کار و سرمایه بشکل خشن و افسارگسیخته در جریان است. در کردستان گرایشات اجتماعی در مقابل همدیگر صف آرایی کرده‌اند. رژیم اسلامی در کردستان از نظر سیاسی و اجتماعی بجز شمار اندکی مزدور و جیره‌خوار، نفوذ سیاسی و اجتماعی ندارد. در کردستان دو گرایش اصلی یعنی ناسیونالیسم کرد و چپ و کمونیست در تقابل با همدیگر قرار دارند. گرایش مذهبی که در زمان بعد از انقلاب ۵۷ با حمایت ضد انقلاب اسلامی دور مکتب قرآن و مفتی زاده جمع شده بودند، اکنون بخشی از آنها به سلفی‌گری و داعشی تبدیل شده‌اند که ادامه حیات آنها باز

کارگاه و کارخانه های کوچکی وجود دارند که نقش کم تاثیر دارند. برای نمونه در استان کردستان رشته های کاری زیادی وجود دارد که در همه اینها کمتر از هزار نفر کارگر مشغول کار هستند. *بعلاوه کارگاه های کوچک مانند تعمیر کاران، جوشکاران، برق کاران، کارگاه های معدنی، لوله کشی، خیاطیها، نانوآخانه ها، کارگران ساختمان سازی، جاده سازی، سد سازی، آجرپزی، بلوک زنی، جوجه سازی ها هم بخش دیگری از کارگران کردستان را در خود جای داده‌اند. در سالهای اخیر بعضی از شهرداریها و خدمات درون شهری را به بخشهای خصوصی واگذار کرده‌اند و جمعیت کارگر در این بخشها را هم کم کرده‌اند. که این خود موجب شده است اکثریت کارگران شاغل در کردستان حتی شامل همان قانون ضد کارگری کار جمهوری اسلامی هم نشوند. چراکه قانون تبعیض آمیز کار رژیم اسلامی کارگاه های با کمتر از سقف ۱۰ نفر کارگر را مشمول قانون کار نمیداند و در نتیجه دست کارفرما را برای ایجاد مناسبات برده وار با کارگران در این کارگاهها بازتر کرده است. پدیده

شوراهای محلات ایجاد باید گردد!

هم مدیون حمایت‌های مادی و معنوی و پشت پرده رژیم اسلامی است که همچنان ابراز وجود میکنند.

گرایش ناسیونالیسم کرد، به دنبال سهم خواهی در قدرت سیاسی با همین مناسبات سرمایه‌داری با رژیم اسلامی و یا رژیم سرمایه‌داری بعد از رژیم اسلامی هستند. گرایش چپ و کمونیست ریشه اجتماعی در کردستان دارد، این گرایش پرورش یافته در اعماق درد و رنج طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم جامعه است. این گرایش طی ۴۳ سال گذشته سازش ناپذیر در مقابل رژیم اسلامی سرمایه‌داری مدافع بی‌چون و چرای منافع کارگران، برابری حقوق زنان، کودکان، سالمندان و ضدیت با قوانین ارتجاعی اسلامی و شریعت اسلام سنی، شیعی و عقب ماندگی ناسیونالیستی بوده است. گرایش چپ و کمونیست در کردستان به دنبال همپیمانی خود با جنبش کارگری، جنبش آزادی زن، جنبش دانشجویان چپ و برابری طلب و مردم محروم و عاصی از دست رژیم اسلامی در سراسر ایران است که تحقق آزادی برابری و رفاه و عدالت اجتماعی را در گرو بیدان آمدن کارگران و جنبشهای اجتماعی با آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی میدانند. به همین دلیل فعالین چپ و کمونیست در کردستان در میان فعالین جنبش کارگری، زنان، دانشجویان و مردم آزادیخواه و برابری طلب در سراسر ایران خوشنام و قابل اعتماد و قابل

احترام هستند. نفوذ سیاسی و اجتماعی چپ و کمونیست در کردستان موجب تقویت گرایش عدالتخواهانه و برابری طلبانه در جنبش کارگری، جنبش آزادی زن، جنبش دانشجویی و جنبش خلاصی فرهنگی و مردم محروم سراسر ایران می‌شود. با این تصویر از چپ و کمونیستهای کردستان میخواهم بگویم ما راهیجز تلاش برای تحقق اهداف عدالتخواهانه و برابری طلبانه، به ایجاد اتحاد و همبستگی در میان کارگران و جنبشهای اجتماعی سراسر ایران نداریم. کمونیستهای کردستان برای این هدف پیوند عمیقی با جنبشهای کارگری و اجتماعی در سراسر ایران دارند و آینده خود را در تلاش برای سازماندهی انقلاب اجتماعی کارگران و جنبشهای اجتماعی میدانند.

در جواب به سوال شما، از نظر من اعتراضات جنبش کارگری در کردستان مانند اعتراضات جنبش کارگری در سراسر ایران است که در این دور برای تامین معیشت و سلامت است و در کردستان اعتراضات به کشتار کولبران هم باید اضافه کرد.

طی بیش از یکسال گذشته جدا از بحران اقتصادی، سیاسی و اخلاقی رژیم اسلامی بحران پاندمی کرونا هم به مصیبت مضاعفی بر زندگی طبقه کارگر و اکثریت مردم ایران و مردم کردستان اضافه شده است. بحران اقتصادی و بحران پاندمی کرونا در کنار بی مسئولیتی و شانه بالا انداختن سران رژیم اسلامی موجب فشار افسار گسیخته‌ای بر زندگی کارگران و

اکثریت مردم محروم کردستان شده است. گرانی، بیکاری و فساد به هویت اصلی اداره جامعه تبدیل شده است. سران رژیم اسلامی از پاندمی و ویروس کرونا بعنوان نعمت الهی جهت سازماندهی مافیای دزدی، فساد و فشار امنیتی برای ادامه حیات خود استفاده می‌کنند و جامعه را به لبه استیصال سوق داده‌اند. در یکسال گذشته جدا از تداوم کشتار کولبران، سیاست فضای تحمیل خفقان، دستگیری، شکنجه، محکومیت فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی به زندان و اعدام را تشدید کرده است و اکنون صدها نفر از فعالین عرصه‌های سیاسی، اجتماعی در زندانها بسر می‌برند.

اما در مقابل رهبران و فعالین کارگری و تشکلهای موجود آنها راه حل را در سازماندهی اعتراضات کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی میدانند و در این راستا ما در کردستان شاهد اعتراضات کارگران شهرداریها، نانوایی ها، پرستاران، اعتراضات فرهنگیان، بازنشستگان، دستفروشا ن، کاسبکاران و... بودهایم. خواستهای اصلی آنها جدا از اعتراض علیه سرکوبگری های رژیم و خواست پرداخت حقوق های معوقه، بخصوص در شرایط کنونی تامین معیشت، سلامت و بهداشت و پایان دادن به کشتار کولبران بوده است.

اکتبر:

از نظر شما اهم وظایفی که پیشروان و رهبران کارگری در کردستان باید به

آن توجه کنند کدامها هستند؟

رضا کمانگر:

جامعه ایران در آستانه تحولات مهمی قرار دارد. جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی، سیاسی و خیلی وقت است مشروعیتش را از دست داده و به بن بست رسیده است. امروز مسئله پایان عمر جمهوری اسلامی به باور اکثریت مردم ایران و جامعه تبدیل شده است. زمینه این واقعیت در بستر اعتراضات از دیماه ۹۶ تا اعتراضات آبان ۹۸ و هزاران مورد از اعتصاب و اعتراض کارگری در مراکز مهم صنعتی مانند اعتصابات کارگران هپکو، آذراب، فولاد، هفت تپه، لوله سازی اراک، خودرو سازیها و دهها مراکز پتروشیمیها، نفت و گاز در چهار گوشه کشور فراهم شده است.

جریانات راست با محوریت ناسیونالیسم ایرانی مانند سلطنت طلبان، جمهوری خواهان، مجاهدین، اصلاح طلبان دیروز حکومتی و ناسیونالیستهای کرد و غیره بویالرحمن رژیم اسلامی به مشامشان رسیده است و با سازماندهی جبهه های مختلف و راه اندازی کنفرانسها، سمینارها در کمین سوار شدن بر اعتراضات ما کارگران و توده های متنفر از جمهوری اسلامی افتاده اند. این یک واقعیت است که بورژوازی ایران و نیروهای طرفدار نظام سرمایه داری از ادامه حاکمیت رژیم اسلامی بعنوان حامی نظام سرمایه داری سرخورده، نا امید و به رژیم اسلامی اعتماد چندانی ندارند. اما تلاش همه نیروهای

راست این است در جریان بزیر کشیدن رژیم اسلامی، نظام سرمایه داری را نجات دهند. از اینرو توطئه طرحهای همه با همی و آلترناتیو سازیهای بورژوازی برای ایجاد توهم در میان کارگران و مردم محروم ایران و کردستان است. درک این واقعیت و وظایف عاجلتری را برای رهبران و فعالین کارگری در عرصه های مختلف اجتماعی تعریف میکند. اولین وظیفه ما این است باید با آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی خود وارد کشمکش سیاسی سرنوشت ساز آینده ایران بعد از جمهوری اسلامی شویم. گرایش سوسیالیستی درون جنبش کارگری باید خود را بعنوان مدعی صاحب جامعه دست به سازماندهی تحزب کمونیستی کارگری و توده های بزند و از اینطریق خود را بعنوان آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی برای بسر انجام رساندن وظیفه سازماندهی انقلاب اجتماعی کارگران آماده کنند. رهبران و فعالین جنبش کارگری در کردستان باید مانند همیشه پیوند و ارتباط خود را با رهبران و فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی سراسری حفظ و گسترش دهند. و با توجه به تجارب گذشته بخشی از رهبران و فعالین کارگری از حاکمیت شورای که متکی بر اراده دخالت مستقیم کارگران و توده مردم است را به نسل جوانتر منتقل کنند و بتوانیم با دامن زدن به جنبش مجامع عمومی الگوی دخالت مستقیم کارگران و مردم محروم در

سرنوشت خودشان را فراهم کنیم. تلاش برای اتحاد و همبستگی طبقاتی رمز تغییر توازن قوا بنفع جبهه آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی است. این وظیفه تعطیل ناپذیر گرایش سوسیالیستی درون جنبش کارگری کردستان است!

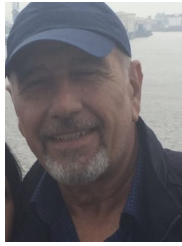
پایان

* رشته هایی از قبیل: تولید بتن گازی و قطعات سبک بتنی، تولید آهک هیدرات، تولید انواع پیچ و مهره، تولید الیاف

شیشه، تولید خانه و قطعات پیش ساخته بتنی، تولید پودر لاستیک، تولید سلول و ماژول خورشیدی، تولید ورقه های فلزی رنگی، تولید گچ، تولید انواع کیسه های بزرگ لمینت شده، احداث پالایشگاه دام، محصولات استحصالی از دام، تولید پلی وینیل الکل، تولید سقف کامپوزیتی با عرشه فولادی، تولید ساختمانهای پیش ساخته، تولید انواع نان صنعتی، تولید نانو کامپوزیت پلیمر هوشمند جهت صنایع خودروسازی، تولید پنل سبک ساختمان یا ورق کامپوزیت، تولید سنگ مصنوعی سنگ مهندسی، تولید ورقه های چند لایه اسپتیک، تولید قطعات پیش ساخته بتنی لیکا، تولید مصنوعات سنگی.

موج سوم کرونا و تامین معیشت و واکسن رایگان

سعید یگانه



جمهوری اسلامی به يك ابر بحران تبدیل می شود. یعنی جمهوری اسلامی خود به مانع رفع و کاهش بحران و مشکلات مردم تبدیل شده و خود رژیم آنگاه صورت مسئله اصلی می شود. نه تنها به دلیل ماهیت سرمایه دارانه آن، که این هست، به دلیل ساختار به شدت فاسد و ناکارآمد و سرکوبگرانه و عدم مسئولیت پذیری در قبال جان و سلامت مردم، همه چیز به هم ریخته و امنیت اقتصادی، سیاسی و روانی بخش عظیمی از مردم را با مخاطرات جدی روبرو کرده است.

بحران کرونا دقیقا به دلیل رفتار حکومت ایران با این پدیده و برخورد های متناقض، دروغ و پنهانکاری واقعیات و عدم تامین معیشت و دسترسی مردم به بهداشت رایگان در این شرایط سخت کرونایی اکنون سرنوشت مردم طور دیگری رقم خورده و هزینه سنگین مالی و روانی را به اکثریت مردم کارگرو زحمتکش تحمیل کرده است. به این دلیل موج سوم کرونا جامعه ایران رادوباره فلج کرده است و به موجی از ترس و نگرانی دامن زده است. این اوضاع ضربدر تورم و گرانی و بیکاری، وضعیت فاجعه باری حاکم است که نگرانی انسانها را صد چندان کرده است.

اکنون جهان با موج سوم کرونا درگیر است و هر کدام از دولتها بسته به امکاناتی که در اختیار دارند برای مهار شیوع بیشتر و کاهش تلفات آن تلاش می کنند. واکسیناسیون با سرعت بیشتری در حال انجام است، اگرچه

اگرچه بحرانهای ادواری سرمایه داری بگذریم که سرمایه داری برای عبور از این بحرانها و تولید سود و بازگشت به رونق بازار، با حمله به سطح معیشت و بیکارسازی وسیع، آخرین رمق و توان طبقه کارگرو مردم محروم را میگیرند، مواجهه جامعه جهانی با بحران ویروس کرونا و رفتار دولتهای سرمایه داری ورقابت بر سر سود و عدم دسترسی میلیونها انسان کارگر و زحمتکش به ابتدایی ترین امکانات درمانی و بهداشتی و واکسیناسیون چهره کریه نظام ضد کارگری و ضد انسانی سرمایه داری را بیش از پیش در نگاه مردم به صحنه آورده است. در شرایطی که بیکاری و فقر و گرسنگی ناشی از این بحران دامن میلیونها انسان فقیر و تنگدست را گرفته است، بخش زیادی از سرمایه داری در همین شرایط بحرانی میلیاردها دلار از قبل کارو استثمار طبقه کارگر و محرومان به جیب زده اند.

با این حال در این شرایط بحرانی که دولت ها طوری بحران را مدیریت کنند که با تامین معیشت و امکانات پزشکی، دارو و درمان رایگان و بخصوص واکسیناسیون رایگان از رنج و مشقات و اضطراب مردم بکاهند. در ایران قضیه بر عکس است، هر پدیده ای بحرانی به دلیل موجودیت

بیش از یکسال از پاندمی کرونا می گذرد و جامعه جهانی هنوز با عوارض مخرب آن دست به گریبان است. موج سوم کرونا در ایران مردم را با مشقات بیشتری روبرو کرده است. فقر و بیکاری و تورم و گرانی و اضافه بر آن عدم دسترسی به واکسن در این شرایط سخت و نا امن، نگرانی و اضطراب مردم را چندین برابر کرده است و جان انسانهای زیادی را در معرض خطر بیماری و مرگ بیشتر قرار داده است. با ابتلای ۲۰ هزار و مرگ بیش از ۵۰۰ نفر در روز بنا به اظهارات مسئولین در ایران، آمار بسیار بالایی از تلفات انسانی را به خود اختصاص داده است. در همد جهش جدید ویروس جامعه را فلج کرده است. اجساد در پارکها و میادین عمومی آتش زده می شوند و مردم محتاج اکسیژن برای زنده ماندن هستند. در بغداد به دلیل انفجار کپسول گاز در یکی از بیمارستانهای این شهر متاسفانه نزدیک به صد نفر از مریضهای کرونایی در آتش سوختند. اضافه بر همه اینها فقر و بیکاری و عدم دسترسی کافی به بهداشت و درمان و واکسیناسیون، تصور اینکه چه اوضاع نابسامان و دشواری بر اکثریت مردم کارگر و تهدید دست این جوامع حاکم است زیاد سخت نیست.

تحت فشار قرار دهند. به ویژه در این شرایط سخت کرونایی همه کارگران و تپیدستان بیشتر از هر زمانی برای تحمیل این مطالبات به دولت جمهوری اسلامی به گسترش اتحاد و همبستگی و همیاری نیاز دارند. در اول ماه مه روز جهانی کارگرتامین معیشت و واکسیناسیون رایگان باید به پرچم مطالباتی کارگران و همه محرومان تبدیل شود.

۲۹ آوریل ۲۰۲۱

واکسیناسیون عمومی و رایگان در مقابل دولتها و جوامع بشری قرار ندارد. دولت جمهوری اسلامی موظف است ضمن تامین معیشت و در دسترس قراردادن امکانات پزشکی و درمانی، واکسیناسیون رایگان در اختیار مردم قرار دهد. تامین معیشت و واکسن رایگان باید به یکی از خواستهای قاطع کارگران، بازنشستگان، معلمان و همه مردم در اعتراضات روزانه تبدیل شود و دولت را برای تامین و تهیه آن

هنوز در بیشتر کشورها تا رسیدن به یک موقعیت امن فاصله زیادی وجود دارد و دولتهای سرمایه داری هنوز کمترین امکانات را در اختیار مردم قرار می دهند، اما در ایران از اول با شیوع ویروس کرونا تا به امروز همه چیز روال غیر معمول دارد و هر دوره با شیوع جهش جدید، ترس و نگرانی بالا می رود و وضعیت روحی مردم بیشتر به هم می ریزد. به گفته وزیر بهداشت تا کنون ۱ درصد از مردم واکسن دریافت کرده اند. ناصر خسرو به بازار سیاه فروش واکسن و کیت آزمایشگاهی کرونا تبدیل شده است. در برخی از آزمایشگاهها کیت تشخیص کرونا وجود ندارد و بیماران در انتظار نوبت آزمایش می مانند، اما در بازار، کیت تشخیص کرونا به وفور پیدا می شود و در بازار ناصر خسرو ۱۸۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تومان به فروش می رسد. در هیچ کجای جهان بحث فروش واکسن در بازار آزاد تا کنون مطرح نبوده و همه جا از طریق دولت تهیه و به بطور رایگان در اختیار مردم قرار می گیرد، اما روحانی خرید واکسن را به سرمایه داران بخش خصوصی سپرد و با پیشرمی تمام گفت که هر کس عجله دارد مثل بیماران کرونایی که برای مداوا به بیمارستانهای خصوصی مراجعه می کنند می توانند واکسن را نیز در بازار آزاد بطور شخصی خریداری کنند.

اکنون در مقابله با این ویروس کشنده و همه گیر، جهت حفظ سلامتی و جلوگیری از تلفات بیشتر انسانی، راهی جز تهیه امکانات پزشکی و

«آزادی، برابری...»

اگر آنها با قمه و اسلحه در مقابل آزادی و برابری قرار می گیرند، ما هم باید خود را مسلح کنیم و سازمان دهیم. باید جامعه از ما به عنوان مدافعین آزادی و برابری یاد کند و بشناسد.

جوانان مریوان

دیروز بهترین تقابل را در مقابل این ارتجاع انجام دادید. اگر نیروهای رژیم اسلامی در کنار مرتجعین اسلامی علیه مردم سنگر گرفتند، شما هم با تمام توان خود در مقابل آنها ایستادید. اما این کافی نیست. اگر آنها مسلح و سازمان یافته هستند، ما هم باید خود را در مقابل این ارتجاع سازمان دهیم. باید گروههای مسلح خود را برای مقابله با این جانیان سازمان دهیم. این بار اول و آخر نیست اما این قمه کشیها، این ایجاد رعب و وحشت، زوزه قبل از مرگ است.

سیوان کریمی

۲ می ۲۰۲۱

مرتجعین اسلامی، داشته است. مبارزات اتحادیه دهقانان در زمان شاه، مبارزات علنی و مسلحانه و پرشور علیه رژیم اسلامی و حضور و نقش کاک فواد به عنوان یکی از رهبران آن، کوچ تاریخی مریوان و واقعه ی ۲۳ تیر آغاز یک فرایندی است که کماکان رو به پیش است. امروز علاوه بر رژیم اسلامی که سیبل اصلی مبارزات ماست، باید خود و جامعه را در مقابل ارتجاع اسلامی واکسینه کنیم. باید این آگاهی و واقعیت را در جامعه تسری دهیم. این شهر و آینده به ما تعلق دارد. این شهر، شهر زنان سرخ پوش و شهری است که برای مرگ شریف باجور، تماما سرخ پوش شد. این تاریخ ماست. این ثمره مبارزه ماست. ارتجاع اسلامی که نای نفس کشیدن ندارد. باید همین نفسهای آخر را هم از او گرفت. مردم این جامعه لایق رفاه هستند، لایق آزادی و برابری هستند.

طبقه کارگر باید خود را صاحب جامعه بداند

ابراهیم باتمانی



جامعه اعلام کنیم که دوران استثمار انسان از انسان تمام شده است. جنبش کمونیستی و کارگران یک پیکر هستند. باید به حکم قتل عمدی دولتی که اعدام می‌باشد پایان بدهیم. باید جامعه بداند ما مخالف اعدام، خشونت و ناامنی هستیم. باید جامعه بداند در حکومت کارگری حقوق کدک اولویت جامعه است.

باید اعلام کنیم که در حکومت کارگری تمامی افراد جامعه بیمه می‌باشند و دکترودرمان برای همه رایگان می‌باشند.

باید با قاطعیت و اعتماد به نفس اعلام کنیم که هر نوع کار مزدی ممنوع است و هیچگونه تبعیض طبقاتی بین زن و مرد وجود ندارد. باید طبقه کارگر به جامعه اعلام کند که من خودم را مسئول جامعه میدانم. من می‌خواهم برای همیشه بشر را از استثمار نظام سرمایه داری نجات بدهم. طبقه کارگر باید اعلام کند که ما خواهان سیستم پارلمانی، حکومت شاهنشاهی و ریاست جمهوری، نیروهای اطلاعاتی و سرکوبگر نیستیم. زیرا همگی امتحان پس داده‌اند و در طول حاکمیتشان زندگی ما را به خاک سیاه نشانده‌اند. طبقه کارگر باید اعلام کند تنها راه حاکمیت مردم بر مردم و سیستم شورایی است. سیستم جهانی موجود تمام ثروت کل بشر را در اختیار خود دارد. این سیستم سرمایه داری فقط نیروهای سرکوبگر، سیستم اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای مذهبی و فرهنگی، نهادهای قدرتمند سرمایه داران را حفظ و حراست صفحه ۱۹

فقر، گرسنگی و ناامنی چه باید کرد؟ طبقه کارگر بایستی با الترناتیو، برنامه روشن و مشخص خود را مسئول جامعه بداند و تلاش کند که با نهادهای اجتماعی، دانشجویان ازادیخواه و برابری طلب، جنبش زنان ازادیخواه، جنبش معلمان مبارز و لشکر بیکاران و انسانهای شرافتمند و ازادیخواه با رعایت مسائل امنیتی در تماس باشند و با هم برای پیشبرد انقلاب کارگری و سرنگونی جمهوری اسلامی به یکدیگر کمک نمایند. آنها بایستی در این شرایط حساس سیاسی ایران و ضعیف شدن جمهوری اسلامی با احزاب کمونیستی و تشکلهای رادیکال و انقلابی در تماس باشند و کارگران را با آگاهی سیاسی تقویت نمایند. مردم بایستی خود را برای گرفتن قدرت از احزاب راست بورژوازی که بخشی از نظام سرمایه داری است و با پول دولتهای متخاصم و مدیای شبانه روزی آنها مانور سیاسی میدهند، آماده نمایند و از میان خود رهبران واقعی را انتخاب کنند

جنبش کارگری باید با هوشیاری سیاسی بتواند اکثریت جامعه را به سمت خود کشانده و نگذارد که دوباره نظام سرمایه داری با فریب و حيله، کلاه انقلاب سال ۱۳۵۷ را بر سر مردم بگذارند. ما کمونیستها و رهبران کارگری باید با صدای بلند به

اگر ازهر انسانی که سنش بالاتر از پانزده سال باشد، پیرسید که چه نوع سیستمی امروز در سطح جهان حاکم است؟ بدون مکث کردن میگوید: سیستم نظام سرمایه داری بر جهان حاکم است. اگر دوباره پیرسید: این دنیای ناامن با این همه تبعیض و نابسامانی که روز به روز سرنوشت و زندگی مردم را به قهقرا میبرد حاصل چه نظامی است؟

جوابش مشخص است. او حاکمان نظام سرمایه داری را مسبب و عامل تمام مشکلات بشرامروزی در برابر تبعیضات و نابرابریها، تحمیل کردن جنگهای خانمان سوز، اوارگی و کشتن میلیونها انسان بر خلاف دخالت و خواست خود مردم، خفقان و سرکوب افراد سیاسی، ناامنی و بی مسکنی انسانها، بوجود آوردن مذاهب و گروههای مختلف چون شیعه، سنی، یهودی، بودایی، داعش، القاعده، حکومت جمهوری اسلامی ایران، بوك الحرام و سلفی، فاشیسم، ناسیونالیسم، راسیسم، رواج هویت قوم و قومپرستی، رواج دادن عقب ماندگی فرهنگی و جهل و خرافات میداند.

سوال اساسی دیگری که در مقابل کل انسانها و در راس آن کارگران پیشرو و کمونیستها قرار میگیرد این است: برای پایان دادن به این همه مصیبت،

راه‌های مبارزه با پدیده قتل زنان

(در حاشیه اخبار زنان در کردستان عراق)

هاله طاهری



و شمال آفریقا کما بیش همین است. اما محیط‌های اجتماعی و ویژگی‌های خود را هم دارند که به جنون و زن‌کشی در آن جامعه دامن می‌زنند بحث در مورد فراز و نشیب کردستان عراق در جنگها و وضعیت اقتصادی و سیاسی آن از عهده این مطلب خارج است، اما تغییرات چند دهه‌ای اخیر آن قابل مشاهده‌ی همگان است. روزهای پیروزی آزادسازی کردستان از دست رژیم صدام حسین طولی نکشید که به تنش‌های جنگی دو حزب ناسیونالیستی طالبانی-بارزانی بر سر تقسیم کردستان منجر شد. با تاثیر از جمهوری اسلامی در همسایگی و جنگ بر سر چپاول جیب مردم و سرویس "نوکر-اربابی". تحمیل شده از طرف امریکا و شرکایش مدل حکومت خودگردانی گُردی آغاز بکار کرد.

بلافاصله این دو حزب در حریم خود شروع به ممنوع کردن آزادی‌های سیاسی بدست آمده کردند. مساجد به کمک این احزاب آمد و به طور گسترده تحت تاثیر رژیم جمهوری اسلامی در همسایگی تقویت شد. در همان ده سیاه اول، موج وسیعی از زن‌کشی برای افتاد تا جایی که آمار پنج هزار مورد زن‌کشی و هزاران خودسوزی گزارش شد. حتی خانه‌های امن هم دیگر امن نماندند چرا که مردان مسلح دو حزب به دنبال زنانی بودند که از دست اذیت و آزار همین شوهران به این خانه‌ها پناه برده بودند. مراسمهای مذهبی و گُرنش در مقابل

نوڪ كوه یخ است که ما می‌بینیم. زیر این کوه یخ، اقیانوسی از بی‌حقوقی قانونی، اجتماعی و اقتصادی علیه زنان نهفته است که همواره دولتها و از جمله دولت حاکم آنرا به فراموشی سپرده و در بیشتر مواقع به فراموشی سپرده شده‌اند. جامعه‌ای که در مدارس آن کودک پسر را برتر و دختر را ضعیفه تربیت میکند، بجای شکوفایی و تقویت استعدادهای فردی بازیها و امیال کودکان را به "دخترانه" و "پسرانه" دیکته میکنند، رسانههای عمومی و دولتی که هر روز تبعیض و جداسازی جنیستی را آراسته‌ی افکار عموم و کف جامعه می‌کنند، جامعه‌ای که حقوق زن را پایمال میکند و فشار ساعت‌های کار بیشتر و نامناسب و حتی برس و استفاده جنسی چشم می‌پوشد، نهاد خانواده اسلامی مرد را رئیس و زن را برده‌ی بی‌حقوق تعریف میکنند، در آموزش نماز جمعه ها کتک زدن! (آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء) زنان بدست شوهرانشان را واجب و زن را کشتزار و اموال جنسی مرد میداند (آیه ۲۲۳ سوره‌ی بقره) انتظار بیهوده‌ای است که با زندانی کردن انگشت شمار قاتلین بهبودی در زندگی زنان ایجاد شود.

مدل جوامع سرمایه‌داری عصر ما و بویژه جوامع اسلام زده در خاورمیانه

نهادهای اجتماعی و فعالین حقوق زن در کردستان عراق خبر از دست کم کشته شدن ۳۰ زن و دختر جوان بدست بستگان خود در طی دو ماه اخیر میدهند. دقت کنید که آمارها در کردستان دقیق نیستند و بسیاری از قتلها به بهانه‌های گوناگون پرده پوشی و یا هرگز گزارش داده نمی‌شوند. پدیده زن‌کشی و خودسوزی زنان در کردستان عراق در سالهای اخیر رو به ازدیاد بوده است. بسیاری از خودسوزیها و قتلها، سازمان یافته و از جانب بستگان زن و یا در اثر خشونت شدید علیه زن صورت می‌گیرند. اخیرا هم قتل مادر جوانی در شهر اربیل به دست همسرش خشم معترضین را چند برابر کرده است. طومار اعتراض به زن‌کشی از جانب نهادهای مدافع حقوق زنان دولت اقلیم کردستان را مورد خطاب قرار داده است و خواهان رسیدگی شده‌اند. تا جایی که چند تن از مسئولین حکومتی هم در تویتهای خود این عمل را شنیع دانسته و وعده دادند که باید قاتلین مجازات قانونی شوند.

در این شکی نیست که باید دولت و دادگاه، مسئول مجازات همسران و پدران قاتل باشند، اما پیشگیری و پایان دادن به چنین پدیده غیر انسانی کار بیشتری می‌طلبد. زن‌کشی تنها

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای را همه جا بر پا کنید!

آیین مطلق اسلام به پروتکل‌های قانونی و شرعی حکومت اضافه شد. مراسم محجبه کردن کودکان زیر سن قانونی و خردسال برای چندین سال مکرر با بودجه کلان برگزار شد. اخیراً هم دو جوان هنرپرور در شهر سلیمانیه-اشاره به دو جوانی که در ملا عام رقص زیبایی را اجرا کرده‌اند- مورد آماج حملات تند و تیز از جانب جریانات اسلامی قرار گرفته‌اند و با این بهانه راه را برای انتقام‌گیری مذهبیون و مردم عقب مانده‌ی شهر علیه آزادی‌های فردی هموار کرده‌اند.

همه‌ی این اتفاقات پیشینه‌ای طولانی دارند. لازم به یادآوریست که اخیراً دولت ترکیه با این توجیه که حقوق شهروندی را بر طبق قوانین کشوری خود انتخاب می‌کند از لیست کشورهای متعهد به کنوانسیون حقوق بشر و خشونت علیه زنان کناره‌گیری کرده است، نوع دیگری از اسلام سیاسی در ترکیه در حال شکل‌گیریست که دوره سیاهی برای زنان به دنبال خواهد داشت.

در بطن يك بحران عمیق "اقتصادی-جهانی"، پاندمی کرونا هم در دو سال گذشته اوضاع جهان را بکلی دگرگون کرده است و سیستم‌های حاکم در جهان نه تنها جوابگوی نیازهای مردم نیستند بلکه هر آنچه را هم که کسب کرده بودند از آنها پس می‌گیرند.

کردستان هم از این قاعده مستثنی نیست، این شرایط سخت بویژه میدان را برای خشونت خانگی، فرودستی زنان و بالا رفتن قتل و خودسوزی در میان زنان و جوانان تشدید کرده

است. از طرفی هم موجی از روشنگری سیاسی و اجتماعی و مدرنیزه شدن بخشی از جامعه در چند دهه‌ی اخیر را شاهد هستیم که امیدی برای يك آینده انسانی‌تر و دستیابی به آزادی‌های اجتماعی را نوید می‌دهد. این خواسته‌های سکولاریستی در جامعه البته که به مزاج مساجد و دو حزب حاکم در قدرت خوش نمی‌آید و مقاومت در مقابل رشد آن در دستور کار آنهاست. مردم آزادی می‌خواهند و اسلام‌گرایان بردگی را ترجیح می‌دهند. زنان برابری و عدالت را می‌طلبند و مساجد چند همسری و صیغه و کودک همسری را ترویج می‌دهند، جوانان تشنه آزادی و جامعه سکولار هستند اما دستگاه حکومتی سیستم کهنه را ترجیح می‌دهد. کارگران نان، شغل و امرار معاش می‌خواهند و صاحبان سرمایه در فکر راه‌های امن‌تر برای انتقال پول‌هایشان به بانک‌های خارجی‌اند.

رهایی از خشونت علیه زنان مبارزه با زن‌کشی و کسب آزادی‌های اجتماعی نیاز به برنامه عمل و سازماندهی دارد. اعتراضات گسترده و با برنامه و ادامه‌ی کار از ملزومات اولیه برای بحرکت در آوردن جنبش‌ها و مبارزات اجتماعی است. اگر این جنبش‌ها در نیمه راه با ترقندهای حاکمان و نیروهای حاکم گمراه شوند و اگر شرف و غیرت مردانه و عقاید ارتجاعی معیار برای تعریف هویت انسانی انسانها گردد، اگر وعده‌های انتخاباتی جای تلاش برای گرفتن دستمزدهای معوقه کارگر، کارمند، معلم و رفتگر را

بگیرند، آنگاه جبهه مقاومت نیروهای معترض ضعیف و تارومار می‌شوند.

روی سخنم با فعالین زن، مسئولین اتحادیه‌ها و تشکلهای اجتماعی و کسانیست که در جامعه مورد توجه عموم هستند خوشنامند و کاریزمای عمل مثبت دارند و حرفشان را عموم مردم قبول دارند. برنامه عمل‌رهای زن و قطعنامه‌های سکولار و جامع خواسته‌ای زنان را سند و تبلیغ کنید. فراگیر و سازمان یافته در میان اقشار مردم بویژه زنان نیرو و همفکر جمع آوری کنید. در کنار طومارنویسی‌ها، تظاهرات‌ها و حرکت‌های جمعی را سازمان دهید؛ و جنبش‌های متحدین خود را با شرکت وسیع زنان قوی کنید. صدای فریاد شما معترضان سالن پارلمان و مجلس را به لرزه در می‌آورد!

نیروهای متحد از جمله کارگران، جوانان و اقشار معترض که برای نان، امنیت و آزادی می‌جنگند و همچنین از میان زنان خانه دار جمع آوری کنید. نقش مشارکت - چه عضو ساده و چه رهبری - زنان در تمام این حرکات باید با فعالیت مستمر و دخالت مستقیم تضمین گردد. حق زن و سخنگو و رهبر شدن گرفتنی است نه اهدایی. شرکت در بعد رهبری جنبش، دخالت در تصمیمات مبارزاتی همراه دیگر جنبش‌های آزادیخواهانه و سخنگوی حق زن شدن ضامن این موقعیت است.

هلاله طاهری

گرمای رقص و یخ اسلامی‌ها

سیوان کریمی



به رسمیت شناختن جامعه‌ی کردستان به عنوان جامعه‌ای اسلامی توسط قانون اساسی کردستان عراق و دولت عراق، نشان می‌دهد که چگونه جامعه کردستان عراق در کمتر از سه دهه، سه قرن به عقب رفته است. این قوانین و وضعیت رشد اسلام در جامعه قطعاً نمی‌تواند در جامعه‌ای سکولار اتفاق بیافتد. اسلامی‌های کردستان دولت، پارلمان، قانون و نظر مثبت احزاب حاکم را در پشت سر خود می‌بینند که این چنین در جامعه جولان می‌دهند.

مسئله آزادی

اما از نگاه کلی به جامعه کردستان که بگذریم، مساله‌ای که در رسانه‌ها و سخنگویان اسلامی‌ها بیشتر مطرح می‌شود، حول آزادی بیان می‌چرخد. این "مدعیان" ادعا می‌کنند که این دو جوان با این رقص خود و با استفاده از "آزادی" موجود در جامعه، به حرمت جامعه تجاوز کرده‌اند و حریم جامعه، خط قرمزهای آن و احساسات مردم "مسلمان" را زیر پا گذاشته‌اند. روزگار غربی‌ی است. شما می‌گویید اگر این رقص در مکانی خصوصی بود، اشکالی نداشت. چه حافظه‌ی ضعیفی دارید. همین هفته گذشته، چندین جوان که همجنس‌گرا بودند را در مقابل دوربین همین رسانه‌ی مدعی "رووداو" به صف کردید و به عنوان مجرم به جامعه معرفی کردید. این که در خفا بود. این نه برایش رقصیدن و نه برایش جار زدند. زندگی خصوصی خود را داشتند. شما به آن تجاوز کردید. این عین نغض آزادی نیست؟ روزانه دهها نفر به

شدن و به دلیل صعب‌العبور بودن آن، جایی برای اجرای قوانین اسلامی‌شان شد. این اسلامی‌های لیبرال شده امروز، زمانی جوانان را به جرم دوست داشتن، صحبت کردن با جنس مخالف و نوشیدن پیکلی شراب، به زنجیر بستند، شلاق زدند و کشتند. هنوز پرونده این جنایتها نه در دادگاهی مطرح شده و نه به نتیجه‌ای رسیده است. پس از سال ۱۹۹۱ و همنشینان احزاب ناسیونالیست و اسلامی‌ها و شریک شدن در قدرت همه با همی، به مدت یک دهه رژیم جمهوری اسلامی منبع تامین مالی و تسلیحاتی و حتی ایدئولوژیکشان بود. پس از سال ۲۰۰۳ و سرنگونی حکومت بعث در عراق، منابع بیشتر مالی از غرب و همچنین کشورهای منطقه از جمله عربستان به کردستان عراق سرازیر شد. تاسیس و تقویت نیروهای همچون جندالاسلام، اخوان المسلمین، سلفی‌ها و حضور رسمی در قدرت زیر نام احزابی همچون "یه‌کگرتوی ئیسلامی" و "کومهل ئیسلامی" در طول سه دهه‌ی گذشته، قابل رصد است.

رشد هزاران درصدی مسجدها و مکانهای مذهبی، آموزش‌های دینی، میدیاهای اسلامی و رسانه‌هایی که به صورت شبانه‌روزی مسائل دینی را ترویج می‌دهند، در کنار تصویب قوانین اسلامی در پارلمان کردستان و

در روزهای گذشته هیاهویی بر سر رقص دو جوان در شهر سلیمانیه در فضای عمومی جامعه و به تبع آن، میدیای اجتماعی به راه انداخته شد. طیفی به حمایت از رقص و شادی این دو جوان پرداخته‌اند و در این بحران گریبانگیر سلامت در دنیا و وضعیت نامناسب اقتصادی جامعه، چنین حرکتی را ستوده‌اند. اما در سوی دیگر، مرتجعین اسلامی قرار دارند که با نكوهش این رقص، به دنبال تقبیح، نكوهش و مجازات عاملین آن هستند. موضوع این نوشته، نگاهی است به طیف دومی که موزیک و رقص و شادی به هر نحو و شکلی، یخ دینداریشان را آب می‌کند و فریاد "وا مصیبتا" سر می‌دهند.

کردستان و اسلامی‌ها

قدرت حرف اول را در سیاست می‌زند و هر حزب و جریانی که به دنبال کسب قدرت نباشد، قافیه را باخته است. کردستان عراق هم از این مسئله مستثنی نیست. پس از سال ۱۹۹۱ و عروج احزاب ناسیونالیست و اسلامی در کردستان عراق و به دست‌گیری قدرت، فضای اجتماعی دستخوش دگرگونی‌های زیادی شد. مهمترین فاکتور درگیر در این مناسبات، اوجگیری قدرت احزاب اسلامی بود. کوههای اورامانات مکانی برای پنهان

خبررسانی است، نه اینکه خبر را ارزیابی کند. تاریخ فعالیت رووداو نشان می‌دهد که همیشه سرش را به سمت نیروهای اسلامی و بویژه ترکیه و نیروهای مورد حمایتش در کردستان عراق کج می‌کند. این کج کردن، از کج فهمی نیست. می‌خواهند اسلام معتدل اردوغان را با رسانه‌ی کردی و به زبان کردی برای مردم نشان دهند. تلاش علی‌باپیر برای حذف کلمه اسلام از حزبش در يك ماه گذشته، نشان می‌دهد که این احزاب دیگر نمی‌توانند نان دینشان را به صورت سنتی بخورند. رووداو شکلی مدرن از اسلام را نمایندگی می‌کند که نهایتاً تیرش به سنگ می‌خورد.

۲۵ آپریل ۲۰۲۱

سیوان کریمی

پاسخگو باشند. باید نمایندند مدعی‌العموم از آنها شکایت کند. اگر بنا قانون شما باشد، از همین الان رای معلوم است. دستگیری شکنجه و اعدام. حاجی ما می‌داند که قانون اساسی کردستان عراق کم از خود قرآن نیست. همین قانون و کتاب، برای کسی که در رمضان حجاب نکند، برقصد، شادی کند، آن هم دختر باشد و با پسری که "شرعا" ارتباطی به هم ندارند، چه پیشنهاد می‌کند؟ تذکر، دست نوازش یا شمشیر مرگ.

این دو جوان کاری کردند که هر انسان سرشار از احساس انجام می‌دهد. شنیدن موزیکی زیبا به رقصی زیبا نیاز دارد. شما و امثال شما بروید و در پستوی خانه‌تان پنهان شوید و برای خدایتان عبادت کنید. شما را چه به صحبت در مورد رقص و شادی و موزیک. این دو جوان هیچ عملی انجام نداده‌اند تا در مورد جرم بودن یا نبودن آن صحبت شود. شما هنوز پیش قاضی نرفته، حکم بر مجرم بودن آن می‌دهید و تضاد مجازات می‌کنید. زنده باید این دفاع شما از آزادی.

رسانه‌ها و برخورد به این مسائل

اما "میدیا‌های" محلی کردستان عراق را می‌توان هر چیزی نامید، جز رسانه. رووداو در برخورد با این مساله، آنقدر به دفاع از طیف دوم پرداخت، که برای پنهان کردن شوری این موضوع، به دعوت از دو هنرمند رقص مجبور شد و گفتگویی را با آنها ترتیب داد. رسانه کارش

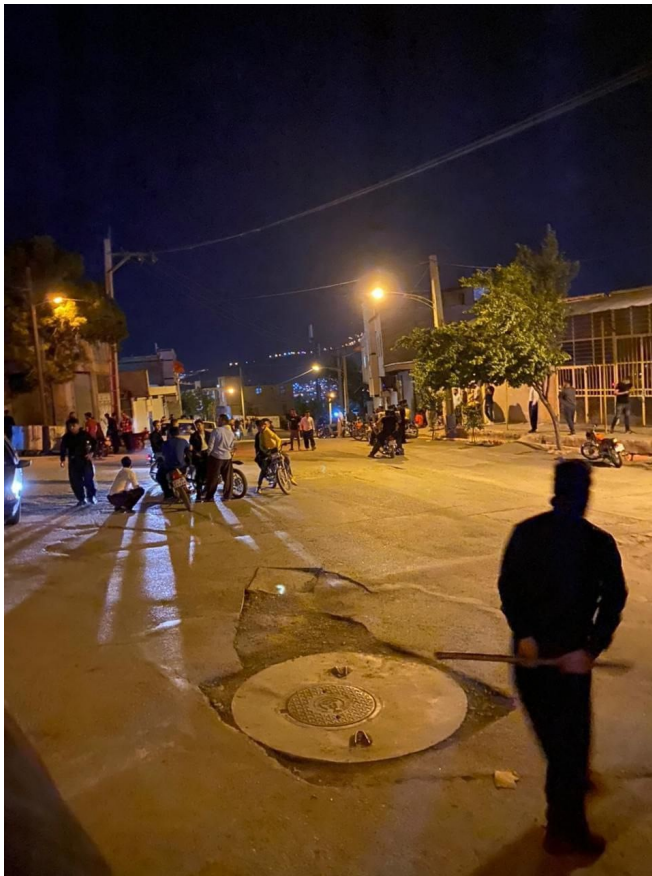
جرم دفاع از معیشت خود به خیابان می‌آیند و تظاهرات می‌کنند، مطلبی در روزنامه‌ای منتشر می‌کنند و یا در رسانه‌ای چیزی می‌گویند. سرنوشتشان چه شد؟ نگویید که نمی‌دانید. نگویید که به یاد ندارید. اما بگویید که در مقابل این مسائل لال هستیم. کور و کر می‌شویم. دهها کاوه گرمیانی را سربه‌نیست کردید. هنوز روز جوابگویی در مقابل این جانیتهايتان فرا نرسیده است. اما می‌رسد روزی که باید پاسخگو باشید. آزادی بی‌قید و شرط باید در جامعه وجود داشته باشد. آزادی برای همه، نه برای شما و امثال شما. شما که از حق آزادیشان استفاده کردید و هزاران مسجد ساختید و هزاران کتاب و نشریه اسلامی را وارد خانه‌ها کردید. شما با همان آزادی، رژیم اسلامی را به حلبجه بردید، برایشان سوت و هورا کشیدید و دختران جامعه را لچک پوش کردید. اگر من به جرم رقصیدن، روحیه شما را جریحه‌دار کردم و باید محاکمه شوم، شما با این کارتتان، با لچک پوش کردن دختران و زنان و با دعوت از رژیم اسلام که خالق فاجعه گردان شوان در حلبجه بود، روح هزاران و میلیونها انسان را جریحه‌دار کردید. شما باید محاکمه شوید.

مجازات عاملان

"حاجی کاروان"، از سخنگویان اسلامی‌ها در کردستان عراق در گفتگویی با رسانه‌ها اعلام کرد که باید عاملان این کار در مقابل قانون

چاقو کشان و ایجاد آشوب توسط جریان داعشی - سلفی امر تازه ایی نیست. مردم بارها شاهد این وضعیت بوده اند. اما جمهوری اسلامی نه با حمایت از سلفی ها نه با هیچ ترغیب و تحریک دیگری نخواهد توانست مردم متحد و مصممی را که قصد دفاع از خود را دارند عقب براند و به تسلیم وادارد.

کمیته کردستان حرب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲ می ۲۰۲۱



اطلاعیه‌های کمیته کردستان حزب حکمتیست
در رابطه با حمله افراد سلفی و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به محله دارسیران در مریوان

شماره ۱

بنا به گزارش رسیده از شهر مریوان ، امروز ۱۱ اردیبهشت (اول مه) جنایتکاران سلفی در شهر مریوان به محله دارسیران در این شهر یورش برده و طبق اخبار تاکنونی يك نفر به اسم جمال فیضی در اثر قه کشی اسلامیان سلفی بسختی زخمی شده و در بیمارستان بستری است . هرچند مردم و جوانان محله دارسیران در حالت آماده باش و با همه امکانات به مقاومت پرداخته اند ، اما مردم شهر مریوان و جوانان انقلابی لازم است قه کشان مرتجع سلفی را شناسایی کرده و آنها را به سزای اعمال جنایتکارانه اشان برسانند .

شهر زنان سرخ پوش و نبرد خیابانی جوانان در آبان ۹۸ ، جای شمشیر چرخانی و وحوش سلفی نیست .

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

شماره ۲

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب حکمتیست رسیده مردم و ساکنین محله دارسیران جهت حفظ امنیت و آسایش خود در مقابل وحوش سلفی با هر وسیله دفاعی که برایشان ممکن بوده در دفاع از خود و خانواده هایشان در حالت آماده باش هستند. طبق همین خبر افراد سلفی تا این ساعت جرات نکرده اند نه در محله و نه در سطح شهر ظاهر شوند. مردم مصمم هستند هرگونه تعرض این اوباش را با قدرت کامل پس بزنند. ساعتی پیش نیروی انتظامی در حمایت از اوباشان سلفی با پرتاب گاز اشک آور و استفاده از شوک الکتریکی به محله دارسیران و مردمی که برای دفاع از محل زندگی و حفظ امنیت خانواده هایشان جمع شده بودند، حمله کرده است.

حمایت نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی از این

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

مرگ ۷ تن در دو روز بر اثر تصادف در جاده مریوان-سروآباد

بنا به اخبار دریافتی شامگاه چهارشنبه و پنجشنبه روز گذشته بر اثر دو تصادف در محور جاده مریوان سروآباد متأسفانه ۷ تن از مردم شهر مریوان و اطراف جان خود را از دست داده‌اند. ۳ تن از جانب‌اختگان این تصادفات روز چهارشنبه بر اثر برخورد یک دستگاه تریلی با یک دستگاه پژو در محور جاده سروآباد-مریوان نزدیکی روستای "قلعه جی" اتفاق افتاده که هر ۳ سرنشین دستگاه پژو در اثر آتش سوزی جان باخته‌اند.

این اولین بار نیست که تصادفات در جاده مریوان سندج و محور سروآباد جان انسانها را می‌گیرد. این جاده، به جاده مرگ معروف است و هر ساله تعدادی زیادی از مردم در اثر تصادفات جان خود را از دست می‌دهند. در این جاده روزانه صدها تانکر نفت متعلق به سپاه پاسداران میان کردستان ایران و عراق در رفت و آمد هستند. تردد بیش از حد تریلی و تانکرهای نفت و جاده خطرناک و غیر استاندارد دلیل اصلی این واقعه‌های دلخراش و جانباختن مردم در این مسیر می‌باشد.

طی سالهای گذشته بارها مردم مریوان، شهرکها و روستاهای اطراف، به بی‌توجهی و لاقیدی دولت و مسئولین نسبت به جان مردم و به این نابسامانی‌ها اعتراض و تجمع بر پا کرده و بارها به نشانه اعتراض جاده‌ها را در این مسیر بسته‌اند، اما تا کنون اقدامات جدی در رابطه با استاندارد کردن محور جاده سندج - مریوان و محافظت از جان مردم صورت نگرفته و هر روز بر اثر تصادف تعداد دیگری جان خود را از دست می‌دهند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست به خانواده و بستگان جانب‌اختگان تصادفات روزهای گذشته تسلیت می‌گوید و خود را در غم و اندوه از دست دادن این عزیزان شریک می‌داند. عامل اصلی تصادفات و جانباختن انسانهای بی‌گناه دولت جنایتکار جمهوری اسلامی و همه مشکلاتی است که مردم روزانه با آن درگیرند. ما از مردم مبارز مریوان و اطراف می‌خواهیم که نسبت به این جنایات ساکت نباشند و با اعتراض جمعی دولت را وادار کنند که برای جلوگیری از این واقعه‌های دلخراش دست به اقدامات جدی بزنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست



عکسی تاریخی مبارزان سوسیالیست و
کمونیست در کردستان
زنده باد روز جهانی کارگر

طبقه کارگر باید...

مرحله اول باید مکانیزمهای مبارزاتی هم میتوانیم يك دنياى بهتر که در شان خود را در محیط کار و جامعه سازمان يك انسان امروزی باشد ، بسازیم .

بدهد . رهبران کارگری و کمونیستها بایستی مرتبا با نقشه و برنامه های جدید در میان اقشار جامعه ، محیط های کارگری ، کارخانه های مختلف صنعتی و غیر صنعتی حضور داشته باشند . طبقه کارگر باید به پراکندگی و بی ارتباطی کارگران خاتمه بدهند . رهبران کارگری باید سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران و جوانان و جامعه را بالا ببرند . در نهایت تنها قدرت ، آگاهی سیاسی طبقاتی و اتحاد است که میتواند کل بشریت را از این زندگی برده واری نجات بدهد . حزب کمونیست کارگری حکمتیست در سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگری قدم به قدم در کنار شما است . این حزب را از خود بدانید و مطمئن باشید که ما با

میکنند . تمامی این هزینه ها از جیب و دسترنج طبقه کارگر پرداخت میشود . باید از سرمایه داران مفت خور پرسید ، که آنها چه نقشی در ساختن این دنياى مدرن با این همه امکانات بی پایان در سطح دنيا داشته اند؟ چرا طبقه کارگر و اکثریت جامعه در سیستم بورژوازی هیچ سهمی به جز فروش نیروی کارشان ندارند ؟ طبقه کارگر از این همه ثروت و سامان که خود تولید کرده است چه بهره ای برده است؟

اگر طبقه کارگر میخواهد که آرامش فکری ، امنیت اجتماعی و جانی خود و اکثریت جامعه امروزی را بدست بیاورد بایستی هر چه زودتر برای به قدرت رسیدن دست به کار شود . در

دیبر کمیته کردستان : صالح سرداری

saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که هر ماه یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه همایون گدازگر

homayon_1954@yahoo.de